



ذکر

ذکر، یعنی یادآوری چیزی که در مضاف‌الیه او می‌آید که غالباً در اصطلاح دینی بکار رفته و بر سه قسم بوده که عبارت از **ذکر لسانی** و **قلبی** و **عملی** می‌باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - معنای لغوی و اصطلاحی ذکر
- ۳ - فضایل و فواید ذکر
- ۴ - فضیلت ذکر خدا
- ۵ - حقیقت ذکر
- ۶ - انواع ذکر
- ۷ - اقسام ذکر
 - ۷.۱ - ذکر زبانی
 - ۷.۲ - ذکر قلبی
 - ۷.۳ - ذکر عملی
- ۸ - آثار ذکر
- ۹ - اوصاف ذکر از منظر قرآن
 - ۹.۱ - آرامش و اطمینان دل
 - ۹.۲ - توجه خدا به انسان
 - ۹.۳ - رستگاری
- ۱۰ - حقیقت ذکر
- ۱۱ - موانع ذکر
 - ۱۱.۱ - دل مشغولی
 - ۱۱.۲ - اموال و اولاد
 - ۱۱.۳ - آرزوهای طولانی
 - ۱۱.۴ - دوستان گمراه
 - ۱۱.۵ - پیروی از هوای نفس
 - ۱۱.۶ - چشم‌چرانی
- ۱۲ - نکوهش ترک ذکر خدا
- ۱۳ - پانویس
- ۱۴ - منبع

معرفی اجمالی

«ذکر»، یعنی یاد کردن، خواه با زبان باشد، یا با قلب یا با هر دو، بعد از **نسیان** باشد، یا بعد از ادامه ذکر. [۱] به عبارت دیگر، ذکر حالت روحی خاصی است که **انسان** در آن حال، دانسته خویش را مورد توجه قرار می‌دهد و گاهی به یادآوری چیزی با زبان و گاهی به حضور چیزی در قلب گفته می‌شود.

معنای لغوی و اصطلاحی ذکر

ذکر در لغت به معنای این است که انسان چیزی را در خاطر خویش نگاه دارد و پیوسته به یاد آورد. این کلمه به معنای حفظ کردن نیز آمده است. معنای اصطلاحی ذکر، یاد کردن زبانی و قلبی **خداوند** به **تکبیر**، **تسبیح**، **تحمید**، **تهلیل** و **حوقله** است. ذکر از اصطلاحات اسلامی است که بیش‌تر در مباحث اخلاقی مطرح است و پژوهش‌گران **علوم دینی** در دو عرصه **اخلاق** و **عرفان** بیش‌تر بدان پرداخته‌اند. ذکر اخلاقی، بر **تهدیب نفس** مبتنی است و ذکر عرفانی بر قرب خدا [۲][۳]

فضایل و فواید ذکر

از راه‌های پرورش ایمان، ذکر است. ذکرهای زبانی، وجود و حضور خداوند را به انسان تلقین می‌کند و ضمیر او را دگرگون می‌سازد و سرانجام به ذکر قلبی می‌انجامد. از دیگر فواید ذکر زبانی این است که زبان آدمی به **خیر** خوی می‌کند و به **طاعت الهی** مشغول می‌گردد. [۴][۵] مهم‌ترین فایده ذکر، تقرب به خدا است که غایت همه عبادات است. [۶] ذکر خدا، وسوسه‌های شیطانی را از میان می‌برد؛ [۷] **نواب** و اجر اخروی می‌آورد به‌ویژه برای بندگانی که به امور دنیوی نیز مشغول‌اند. [۸]، مایه وقار و **هیب** و شوکت است، احساس پوچی و بیهودگی را می‌زداید، در زندگی مادّی انسان نیز دارای اثر است. [۹] و راه تربیت اخلاقی را هموار می‌سازد و این بدان سبب

است که **غفلت** و فراموشی خدا از مهم‌ترین علل گناه‌کاری و بزه‌کاری است.

فضیلت ذکر خدا

ذکر خدای سبحان از بهترین و پاکیزه‌ترین اعمال نزد خدا، برترین لذت نزد دوست‌داران خدا، خوی و خصلت خوب مؤمنان و صالحان و نشان همنشینی با محبوب واقعی بوده و مایه شرافت و **رستگاری** انسان می‌باشد و در آیات قرآنی و **روایات اسلامی** مورد سفارش واقع شده است. **قرآن کریم** می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا کَثِیْرًا...»؛ [۱۰۰] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید...»
پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «إِعْلَمُوا اَنَّ خَیْرَ اَعْمَالِكُمْ عِنْدَ مَلِیْکِکُمْ وَ اَزْکَاها وَ اَرْفَعُها فِی دَرَجَاتِکُمْ وَ خَیْرَ ما طَلَعَتْ عَلَیْهِ السَّمْعُ، ذِکْرُ اللّٰهِ سُبْحٰنَهُ وَ تَعَالٰی فَاتَهُ اَخْبَرَ عَنْ تَفْسِیْهِ فَقَالَ اَنَا جَلِیْسٌ مِنْ ذِکْرَتِیْ؛ [۱۱۱] بدانید که بهترین اعمال شما نزد خداوند و پاکیزه‌ترین آنها و آنچه از همه بیشتر درجات شما را بالا می‌برد و بهترین چیزی که **آفتاب** بر آن تابیده، ذکر خدای سبحان است؛ زیرا خدای تعالی از خودش خبر داده، فرمود: من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.»

علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ذِکْرُ اللّٰهِ سَجِیَّةٌ کُلُّ مُحْسِنٍ وَ شِیْمَةٌ کُلُّ مُؤْمِنٍ؛ [۱۲۲] یاد خدا خصلت هر نیکوکار و خوی هر مؤمنی است.»
امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «ما مِنْ شَیْءٍ اِلَّا وَ لَهٗ حَدٌّ یَنْتَهٰی اِلَیْهِ اِلَّا الذِّکْرُ فَلَیْسَ لَهٗ حَدٌّ یَنْتَهٰی اِلَیْهِ...»؛ [۱۲۳] هر چیزی را حدی است که به آن منتهی می‌شود، مگر ذکر که حدی ندارد که به آن پایان یابد...».

حقیقت ذکر

از آیات قرآنی و سخنان اولیای گرامی اسلام، استفاده می‌شود که ذکر عبارت است از یاد خدا در همه احوال و پیشامدها و توجه به حضور در محضر الهی و او را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خویش دانستن و این‌که هیچ امری بر او پوشیده نمی‌ماند. از این‌رو، هنگام روبه‌رو شدن با تکالیف واجب به یاد خدا بوده، آنها را انجام دهد و هنگام روبه‌رو شدن با محرمات و معاصی از خدا غافل نباشد، و از انجام آن پرهیز نماید، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌ یَّمَّا تَعْمَلُوْنَ؛ [۱۲۴] از خدا بترسید که خدا به کارهایی که می‌کنید، آگاه است.»
«یَعْلَمُ خَائِبَةَ الْاَعْیْنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُوْرُ؛ [۱۲۵] خیانت‌های چشمان و آنچه سینه‌ها پنهان ساخته می‌داند.»
«وَ هُوَ مَعَكُمْ اَیْمًا کُنْتُمْ؛ [۱۲۶] خدا با شماست، هر جا که باشید.»
«وَ تَحَنُّنٌ اَقْرَبُ اِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیْدِ؛ [۱۲۷] ما از رگ ورید به او نزدیک‌تر هستیم.»

در روایتی امام صادق از جمله سخت‌ترین تکالیف خداوند بر بندگانش را «ذِکْرُ اللّٰهِ عَلٰی کُلِّ مَوْطِنٍ» به یاد خدا بودن در هر جا شمرده، می‌فرماید: «منظور از ذکر خدا، گفتن «سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ» نیست. گرچه این‌ها هم ذکر است. بلکه مقصود آن است که اگر انسان با **حرام خدا** روبه‌رو شد، یاد خدا او را از آن باز دارد.» [۱۲۸]

امام صادق (علیه‌السلام) از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل کرده که فرمود: «هر کسی که اوامر خدا را اطاعت نمود و از **گناهان** پرهیز کرد، همانا او ذاکر خداست، گرچه **نماز** و **روزه** (مستحبی) و **قرائت قرآن** او، اندک باشد و هر کس که **معصیت** و نافرمانی خدا نماید، خدا را فراموش کرده، گرچه نماز و روزه و تلاوت قرآن او بیش از حد معمول بوده باشد.» [۱۲۹]
از این احادیث، بخوبی روشن می‌شود که منظور از ذکر، تنها ذکر زبانی نیست، گرچه ذکر زبانی هم ذکر بوده در مکتب اسلام دارای اهمیت است، لکن مقصود حقیقی از ذکر خدا، رسیدن به درجه‌ای از ایمان و اعتقاد است، که انسان بر اثر آن، پیوسته خود را زیر نظر خدا دانسته، و در نهان و آشکار، او را شاهد و ناظر اعمالش بداند و از زشتی‌ها دوری گزیده و وظایف خود را برابر او انجام دهد. به عبارت دیگر، حقیقت ذکر، توجه قلبی به خداوند متعال است که در اعمال انسان پرتو افکند.

انواع ذکر

ذکر خدا انواعی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اقسام ذکر

ذکر را به اعتبارات گوناگون دارای اقسامی متعدّد دانسته‌اند؛ همانند ذکر قلبی و زبانی، ذکر نام‌های خدا و صفات الهی، مدح و ثناء باری تعالی و **توحید** و تنزیه او و یاد نعمت‌های دنیوی و اخروی و رحمانیت و رحیمیت خداوند. ذکر قلبی را **ذکر خفی** نیز گویند؛ [۲۰۰][۲۰۱][۲۲۲]

← ذکر زبانی

ذکر زبانی به جا آوردن حمد و ثناء الهی، نجوا کردن (آهسته حرف زدن)، درد دل کردن، درخواست کمک از درگاه خدای سبحان و پناه بردن از **شر شیاطین** انس و جن به آن بارگاه مقدس است.

ذکر زبانی گرچه از تمام مراتب ذکر، نازل‌تر است ولی در عین حال مفید فایده است. زیرا که زبان در این ذکر به وظیفه خود قیام کرده و به علاوه ممکن است،

این تذکر پس از مداومت و قیام به شرایط آن، اسباب باز شدن زبان قلب نیز بشود. [۲۲۳]

در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) این‌گونه ذکر، زیاد به چشم می‌خورد و حتی مورد سفارش قرار گرفته است. چنانچه خود آن بزرگواران نیز در این زمینه الگوی پیروان خود هستند.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «... پدرم «کنیرالذکر» بود. من او را هنگام غذا خوردن و راه رفتن در حال ذکر گفتن خدا می‌یافتم، حتی صحبت کردن با دیگران، او را از یاد خدا باز نمی‌داشت. زبانش با گفتن «لااله الاالله» به کامش چسبیده بود. او ما را جمع می‌کرد. کسانی را که قرآن خواندن می‌دانستند به قرائت قرآن و کسانی را که قرآن خواندن نمی‌دانستند، به ذکر خدا فرمان می‌داد تا خورشید طلوع کند.» [۲۲۴]

تسبیحات حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، گفتن **تسبیحات اربعه**، «یا الله» و «یا رب»، «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ» و **استغفار** و مانند آن، از جمله ذکرهای زبانی می‌باشند که هر کدام **نواب** مخصوصی داشته و اثر ارزنده‌ای در انسان ایجاد می‌کند.

باید توجه داشت که ذکر زبانی لقلقه زبان نشود و همراه با غفلت دل نباشد، بلکه ذکر زبانی نشان ذکر قلبی و ابراز مکنون دل باشد یا دست‌کم مقدمه ذکر قلبی گردد.

← ذکر قلبی

ذکر قلبی همان توجه قلبی به خدای سبحان است که دل را صفا و صیقل داده، جلوه‌گاه محبوب می‌کند و **روح** را تصفیه کرده، انسان را از **قید اسارت نفس** می‌رهاند. اگر قلب به تذکر محبوب و یاد حق تبارک‌وتعالی عادت کرد و با آن عین شد، انسان را دگرگون می‌کند، بطوری که حرکات و سکنات **چشم، زبان، دست، پا** و سایر اعضا، با ذکر حق انجام می‌گیرد و برخلاف وظایف، امری انجام نمی‌دهند. کامل‌ترین و بهترین مراتب ذکر نیز همین است که در همه مراتب انسانی، جاری شده و حکمش ظاهر و باطن و نهان و آشکار را در برگیرد و اگر ذکر زبانی نیز از نظر مکتب اسلام مطلوب است و به آن سفارش شده، سرّش در آن است که زبان قلب گشوده شود و بحدی برسد که زبان، چشم، گوش و سایر اعضای بدن از قلب پیروی کنند تا بدین‌وسیله دل برای ورود صاحب منزل، پاک و پاکیزه گردد.

علی (علیه‌السلام) فرمود: «إِنَّ اللّٰهَ سُبْحٰنَهُ حَقَّ الذِّکْرِ خَلَاءَ لِقُلُوْبٍ...»؛ [۲۲۵] همانا خداوند سبحان، ذکر را جلا و صفای دل‌ها قرار داده است...»
امام خمینی (قدس‌سره) می‌نویسد: «پس ای عزیز! در راه ذکر و یاد محبوب، تحمل مشاق هرچه بکنی، کم کرده‌ای، دل را عادت بده به یاد محبوب، بلکه به

خواست خدا، صورت قلب، صورت ذکر حقّ شود و کلمه طَیِّبَه لاله‌الاله صورت اخیره و کمال اقصای نفس گردد که از این زادی بهتر برای سلوک الی‌الله و مُصلِحی نیکوتر برای معایب نفس و راهبری خوب‌تر در معارف الهیه یافت نشود.
پس اگر طالب کمالات... و مهاجر الی‌الله هستی، قلب را عادت بده به تذکّر محبوب...» [۲۴]

← ذکر عملی

ذکر عملی آن است که انسان در عمل، خدا را ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود دانسته، هر جا که صحبت واجب باشد، آنجا حاضر بوده و هر جا که صحبت از محارم الهی، گناه و نافرمانی خدا باشد، غایب باشد و در حال گناه و نافرمانی دیده نشود. این نوع ذکر در آیات قرآن، به تعبیر گوناگون، در مورد اعمال انسانی به کار رفته است

آثار ذکر

ذکر خدا و یادآوری صفات و نعمت‌های الهی، نیاز حیاتی برای انسان بودن و انسان زیستن است. یاد خدا نگاهبان هویت انسان و پاسدار ارزش‌های معنوی است. ذکر خدا ریشه صلاح قلب و موجب آبادی و حیات آن و روشن‌بینی، اطمینان و آرامش دل است. اینک به برخی از آثار ارزنده ذکر خدا می‌پردازیم:

اوصاف ذکر از منظر قرآن

قرآن کریم، ذکر را غایت نماز دانسته است. [۲۷] و فرموده است که شرط آنکه خداوند، بندگانش را یاد کند، این است که آنان او را یاد کنند. [۲۸] همچنین، ذکر را از صفات خردمندان شمرده [۲۹] و مایه آرامش دل‌ها [۳۰] و روی‌گردانی از آن را موجب سختی و تنگی معیشت دانسته است. [۳۱] در وصف بندگان نیک خدا فرموده است: «انان مردانی‌اند که دادوستد و خریدوفروش از یاد خدا بازشان نمی‌دارد.» [۳۲] قرآن فرمان می‌دهد که مسلمانان همواره به یاد خدا و نعمت‌های الهی باشند. [۳۳] و از انسان‌ها خواسته است که در مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها، دل خویش را به یاد پروردگار نیرو بخشند؛ [۳۴] و یکی از ویژگی‌های منافقان را آن دانسته است که از یاد خدا غافل‌اند و اگر او را یاد کنند، از روی خودنمایی است؛ [۳۵] قرآن از پیامبران الهی خواسته است تا خدا را یاد کنند و نعمت‌هایش را به فراموشی نسپارند و این را مایه قرب آنان به پروردگار دانسته است؛ [۳۶] همچنین اقوامی همانند بنی‌اسرائیل را چون خدا را فراموش کرده‌اند، به سختی نکوهیده است؛ [۳۷]

← آرامش و اطمینان دل

روح انسان ربّانی است، قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي؛ [۳۸] تَفَخَّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ [۳۹] تا با خدا پیوند نداشته باشد، فرار و آرام نمی‌گیرد، پیوند روح و دل انسان با خدا به وسیله یاد خدا پدید می‌آید و برقرار می‌ماند. علت اصلی اضطراب‌ها و آشفتگی‌های روانی، خستگی‌ها و افسردگی‌های روحی انسان دوره صنعتی، غفلت از یاد خداست. برای آرامش دل باید به یاد خدا روی آورد: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ؛ [۴۰] آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرند.»

← توجه خدا به انسان

در صورتی که انسان به یاد خدا باشد، خدا نیز به یاد اوست و توجه خدا که مدیر و مدبّر همه امور است به انسان همه مشکلات جسمی و روحی او را برطرف می‌سازد، خداوند می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ [۴۱] به یاد من باشید تا به یاد شما باشم.»

← رستگاری

قرآن کریم می‌فرماید: «... وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ [۴۲] زیاد به یاد خدا باشید، امید است رستگار شوید.»

حقیقت ذکر

ذکر را وسیله ارتباط با خدا دانسته‌اند و نشانه آن، نسیان غیر است. [۴۳] از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل است که «هر کس خدای را اطاعت کند، ذاکر است هر چند نماز، فراوان نگذارد و قرآن، بسیار نخواند.» [۴۴] امام علی (علیه‌السلام) در روایتی، ذکر را دو گونه شمرده است: یکی ذکر خدا هنگام مواجهه با سختی و دشواری و دوم، هنگام وسوسه گناه و از میان این دو، نخستین‌گونه برتر است. [۴۵] از روایات بر می‌آید که مهم‌ترین نشانه ذکر راستین این است که آدمی خدا را فرمان برد و از گناهان دوری کند. [۴۶]

موانع ذکر

در آیات قرآن و روایات اسلامی موانعی چند، که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد به چشم می‌خورد. در اینجا به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

← دل مشغولی

الهاء به معنای مشغول ساختن دل و ذهن و غفلت از خداست. قرآن کریم می‌فرماید: «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ؛ [۴۷] تکاثر شما را به غفلت از یاد خدا دچار ساخته است.»

← اموال و اولاد

گاهی اموال و اولاد انسان را از یاد خدا باز می‌دارند. قرآن کریم به مؤمنان چنین هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ [۴۸] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از ذکر خدا غافل نکنند.»

← آرزوهای طولانی

گاهی آرزوهای دراز انسان را به خود مشغول می‌سازد و در نتیجه از یاد خدا باز می‌دارد. خدای تعالی درباره کافران به رسولش خطاب کرده، می‌فرماید: «ذَهُمَّ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛ [۴۹] آن‌ها را رها کن تا بخورند و بهره ببرند و آرزوهایشان آنان را مشغول سازد. سپس در آینده خواهند فهمید.»

← دوستان گمراه

اسلام توصیه کرده که پیروانش با هرکس طرح دوستی نریزند؛ زیرا این امر انسان را از راه حق و یاد خدا باز می‌دارد. از این رو، قرآن کریم می‌فرماید: «فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»؛ [۵۰] از کسی که از یاد ما روی گردانیده و جز زندگی دنیا خواسته‌ای ندارد، روی گردان. از حضرت عیسی (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: «با کسی همنشین کن که دیدنش شما را به یاد خدا می‌اندازد.» [۵۱]

← پیروی از هوای نفس

حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَيْسَ فِي الْمَعَاصِي أَشَدُّ مِنْ إِيَابِ الشَّهْوَةِ، فَلَا تُطِيعُوهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»؛ [۵۲] در گناهان، چیزی سخت‌تر از پیروی شهوت نیست، پس از آن پیروی نکنید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.»

← چشم‌چرانی

علی (علیه‌السلام) فرمود: «لَيْسَ فِي الْجَوَارِحِ أَقْلٌ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ، فَلَا تُعْطُوها سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»؛ [۵۳] در بین اعضا کم‌سپاس‌تر از چشم (عضوی) نیست، پس خواسته‌هایش را به آن ندهید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.» مقصود این است که اگر چشم انسان به هر چه بیفتد دل را به سوی آن متوجه می‌سازد و هر چه در پی دیده‌های چشم و خواسته‌های دل بروی سپاس و تقدیری نمی‌بینی، باز هم برخاسته‌ها افزوده می‌گردد و این کار انسان را از یاد خدا باز می‌دارد. بابا طاهر می‌گوید: زدست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کند یاد.

نکوهش ترک ذکر خدا

همه مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها بر اثر نفس آماره شیطانی و غفلت از یاد خدا و عذاب اوست. غفلت از خدا و ترک ذکر، کدورت دل را زیاد کرده، نفس و شیطان را بر انسان، مسلط می‌کند و مفسد را روز افزون کرده، انسان را به ورطه هلاکت می‌اندازد. از این رو، قرآن مجید، روی‌گردانی از ذکر خدا و غفلت از آن بارگاه شریف را سخت مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید: «قَوْلٌ لِّلْفَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ»؛ [۵۴] وای بر سخت‌دلانی که یاد خدا در دل‌هایشان راه ندارد.» همچنین می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَاباً صَعَدًا»؛ [۵۵] هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، (خدا) او را به عذابی دشوار دچار سازد.» کسی که از یاد خدا خودداری کند، باطنش کور گشته، آیات و جلوه‌های الهی را نمی‌بیند، زندگی او بی‌فروع بوده و در بن‌بست‌های زندگی پناه‌گاهی ندارد. آن کوری باطنی و فراموشی آیات و مظاهر جمال و جلال الهی، در روز قیامت نیز تجسم پیدا می‌کند. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ [۵۶] هر کس از یاد من، روی بگرداند، زندگی‌اش تنگ شود و در روز قیامت نابینا محسوسش سازیم.» قرآن نعمت‌های الهی را به بندگانش گوشزد کرده، آن‌ها را از ترک ذکر و غفلت از آن نهی می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ»؛ [۵۷] بگو: کیست آن که شما را شب و روز از فخر خدای رحمان حفظ می‌کند؟ با این همه از یاد کردن پروردگارشان روی می‌گردانند.» همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»؛ [۵۸] از آن کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز چنان کرد تا خود را فراموش کند.»

حال که خداوند الطاف خود را از ما دریغ نکرده و هرچیز که لازم بوده به ما ارزانی داشته، آیا وقت آن نرسیده که دل به او داده و در برابرش فروتن باشیم، به او پناه بريم تا از بن‌بست‌ها و گرفتاری‌ها، اضطراب‌ها، دلهره‌ها، بوجی‌ها، بی‌هدفی‌ها، بی‌بندوباری‌ها و افسارگسیختگی‌ها نجات یابیم. «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...»؛ [۵۹] آیا مؤمنان را وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان در برابر یاد خدا فروهیده شود.»

پانویس

- ↑ قریشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۵، به نقل از مفردات قرآن، اسلامیه.
- ↑ راعب اصفهانی، حسین بن مجد، مفردات، ص ۱۷۹، ذیل واژه ذکر.
- ↑ نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۶۵.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۱.
- ↑ قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۰۱.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۱.
- ↑ نور/سوره ۲۴، آیات ۲۸-۲۷.
- ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.
- ↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۴۱.
- ↑ ابن فهد حلی، احمد، عده الداعی، ص ۲۳۸.
- ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالبحر، ج ۱، ص ۳۷۰.
- ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۸.
- ↑ حشر/سوره ۵۹، آیه ۱۸.
- ↑ غافر/سوره ۴۰، آیه ۱۹.
- ↑ حدید/سوره ۵۷، آیه ۴.
- ↑ ق/سوره ۵۰، آیه ۱۶.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۳، ص ۱۵۱.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۳، ص ۱۵۶.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۵۵.
- ↑ سوره اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۵.
- ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۲.
- ↑ خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، ج ۱، ص ۳۵۰، نشر فرهنگی رجا.
- ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۹.
- ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالبحر، ج ۱، ص ۲۳۵.

۲۶. ↑ خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، ج ۱، ص ۲۴۹.
۲۷. ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۴۵.
۲۸. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.
۲۹. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۹.
۳۰. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.
۳۱. ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.
۳۲. ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۲۷.
۳۳. ↑ سوره بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۱.
۳۴. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۶.
۳۵. ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۱۴۲.
۳۶. ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۱۰.
۳۷. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۴۰.
۳۸. ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۸۵.
۳۹. ↑ حجر/سوره ۱۵، آیه ۲۹.
۴۰. ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.
۴۱. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۲.
۴۲. ↑ جمعه/سوره ۶۲، آیه ۱۰.
۴۳. ↑ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳، ص ۳۳۱.
۴۴. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۷.
۴۵. ↑ قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۰۰.
۴۶. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۸.
۴۷. ↑ نکائر/سوره ۱۰۲، آیه ۱.
۴۸. ↑ منافقون/سوره ۶۳، آیه ۹.
۴۹. ↑ حجر/سوره ۱۵، آیه ۲۳.
۵۰. ↑ نجم/سوره ۵۳، آیه ۲۹.
۵۱. ↑ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۴، ترجمه علی اکبر غفاری، اسلامیه.
۵۲. ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۵۶۰.
۵۳. ↑ آمدی، عبدالواحد بن مجد، شرح غررالحکم، آمدی، ج ۱، ص ۵۶۰.
۵۴. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۲۲.
۵۵. ↑ جن/سوره ۷۲، آیه ۱۷.
۵۶. ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۴.
۵۷. ↑ انبیا/سوره ۲۱، آیه ۴۲.
۵۸. ↑ حشر/سوره ۵۹، آیه ۱۹.
۵۹. ↑ حدید/سوره ۵۷، آیه ۱۶.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «ذکر»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۰۱/۱۹.

فرهنگ شیعه، ص ۲۶۶.

رده‌های این صفحه : اخلاق اسلامی | ذکر | فضائل اخلاقی | مقالات اندیشه قم